

۱۷ - خرید و فروش ارز و فلزهای گرانبها به حساب مشتریان
 ۱۸ - خرید و فروش اوراق بهادار به حساب مشتریان
 ۱۹ - انجام کلیه عملیات مربوط به بنگاههای بهای داریکه بمشتری تعلق دارد مانند تجدید برشها و تبدیل اوراق بانام به بینام و بالعکس و رسیدگی در قرعه کشیها و اوراق مستهلك شده و غیره
 ۲۰ - اقدام به بیمه کالاهای مشتریان و خارج کردن کالا از گمرکخانه ها و امثال آنها .
 ح . رستار

۱۷ - خرید و فروش ارز و فلزهای گرانبها به حساب مشتریان
 ۱۸ - خرید و فروش اوراق بهادار به حساب مشتریان
 ۱۹ - انجام کلیه عملیات مربوط به بنگاههای بهای داریکه بمشتری تعلق دارد مانند تجدید برشها و تبدیل

اقامت ممنوع و اقامت اجباری

در حقوق جزاء مقایسه

III - آثار حقوقی اقامت ممنوع

در حقوق جزاء ایران و فرانسه

بطوریکه سابقاً مذکور شد امروزه منع از اقامت چه در قانون جزاء فرانسه و چه در قانون ایران مجازات محدود کننده آزادی محسوب میشود - محکوم علیه مجبور است در ظرف مدتیکه در حکم قید شده در محلهای ممنوعه دیده شود و بغیر از این تحدید آزادی مشارالیه در تنظیم و ترتیب امور زندگانی خود تقریباً کامل می باشد - این معنی را قسمت اخیر ماده ۱۶ قانون جزاء ایران بدین عبارت بیان میکند: « محکومین باین دو مجازات بدون مستحفظ به نقطه که ممنوع از اقامت در آنجا نیستند یا مجبور باقامت در آنجا می باشند در آنجا تحت نظر نخواهند بود. » اولین چیزیکه در این قسمت باید روشن شود عبارت از طرق تعیین محلهای ممنوعه می باشد.

بحث یکم

طرق تعیین محل یا محلهای ممنوعه

اگر قوانین کشورهای مختلفه را در تحت بررسی

قرار دهیم خواهیم دید که ممکن است برای تعیین

محلهای ممنوعه سه طریقه زیر اتخاذ شود:
 ۱ - تعیین محل توسط قوه اجرائیه و یا بطور اخص توسط وزارت کشور.
 ۲ - توسط قوه قضائیه
 ۳ - توسط کمیسیون مختلط
 ۱ - تعیین محل توسط وزارت کشور
 این طریقه تا قبل از اصلاحات اخیر ۱۹۳۵ مسیحی در فرانسه معمول بوده و جزئیات آن بطور خلاصه شرح زیر است: وزیر کشور که ضامن عالیمقام احترام انتظامات عمومی می باشد صورتی از شهرهای ممنوعه تهیه می نماید، این صورت که در تمام زندانها و محلهای کار بطور بخشنامه ابلاغ شده پانزده روز قبل از اتمام مجازات اصلی بمحکوم علیه اعلام میگردد و مشارالیه نباید در محلهای نامبرده در آن صورت توقیف یا اقامت نماید - این صورت محلهای دارای دو قسمت معین و متمایز می باشد، در قسمت اول که قسمت عمومی و چاپی است محلهائی قید میشود که بطور عموم شامل حال تمام ممنوعین از اقامت بلا استثناء و با قطع نظر از شخصیت محکوم و نوع محکومیت اصلی و مدت آن میباشد - اصولاً مراکز مهم و شهرهای بزرگ مثل پاریس، مارسی

و با اعمال نفوذ سیاسی اهتمام در تصویب آن مینمودند باین دلسوزی نمایندگان باید عقیده استانداران و دادستانان استان را نیز اضافه کرد چه آنکه هر یکی از این مستخدمین عالی رتبه بنوبه خود خواه مستقیماً و خواه بطور غیر مستقیم تقاضای ممنوع بودن محلهای جدید را می نمودند از طرف دیگر هر اندازه که عده شهرهای ممنوعه زیادتر میشود محکومین خطرناک پشت بآبادی شهر کرده و رو بدهات اطراف نهاده در چنین محلهای گوچکی که پلیس کامل نداشته و حراست مردم و محافظت اموال آنان باندازه شهرها نمی بود اسباب نگرانی مرد و زن و بزرگ و کوچک را فراهم می آوردند.

تمام این معایب نظر مقامات مربوطه را بخود جلب نموده و اصلاح این طریقہ بیش از پیش لازم تر بنظر رسید خصوصاً قضیه از طرف مجمع عمومی محاسبات و انجمن های حامی محبوسین فرانسه مورد مطالعه قرار گرفته و پس از تعمق در اطراف آن طریقہ دوم را پیشنهاد کردند.

۲ - تعیین محل تو - ط فوه قضائیه

طرفداران این رویه پیشنهاد میکنند که باید محلهای ممنوعه را خود داد گاهیکه به پرونده رسیدگی میکند تعیین نماید بعقیده آنان باید این اختیار را از وزارت کشور سلب و دور از بازی سیاست و در پناه استقلال و آزادی قضائی تعیین محل نمود بعلاوه دادرسی بهتر بسوابق متهم آشنا و از گذشته او مطلع میباشد و بهتر میتواند نقاطی را تعیین نماید که اقامت محکوم علیه در آنجا واقعا خطرناک بنظر میرسد. این عقیده که ظاهراً خوب و خالی از ایراد بنظر میرسد در ماده ۸۱ لایحه اولیه قانون جزاء فرانسه منظور شده بود. قانون فعلی جزاء ایران نیز ظاهراً همین رویه را اتخاذ نموده و بطوریکه از مواد مربوطه استفاده میشود تعیین محل ممنوع بعهدہ داد گاه میباشد در این زمینه خوانندگان محترم را بقرائت مجدد مواد ۱۹ و ۶۸ و ۲۲۸ قانون مجازات عمومی دعوت مینمائیم.

لیون، بوردو، و غیره جزو این قسمت اول میباشند و علت این رویه آنست که در این مراکز مهم محکومین آسانتر و بهتر میتوانند خود را از نظر پالیس مخفی نمایند در قسمت دوم این صورت که بر حسب مورد و شخصیت متهم و نوع محکومیت متفاوت می باشد صورت بعضی محلهای مخصوص بهر محکوم تعیین میشود - معمولاً محل ارتکاب بزه و محل اجراء آن جزو محلهای مندرجه در قسمت دوم این صورت درج میشوند در هر حال هر دو قسمت این صورت توسط وزارت کشور تهیه می شود.

این رویه که با قانون ۲۷ مه ۱۸۸۵ مسیحی در فرانسه متداول شد نتایج مطلوبه را نه بخشیده و بتدریج در عمل ثابت شد که معایب آن بیشتر از محسناتش می باشد چه آنکه عده محلهائی که در این صورتها قید میشود بی اندازه زیاد و تقریباً شامل تمام شهرهای بزرگ و صنعتی فرانسه میباشد (پاریس با تمام اطرافش: استان سن، سن و اواز و سن و هارن - لیون با اطرافش: مارسسی، هاور، بوردو، روآن، لیل، سنت اتین، نانت، تور، نیس، تولون، کان و غیره) نتیجه طولانی بودن صورت محلهای این است که محکوم علیه بعد از آزادی نمیتواند با آسانی در شهرهاییکه ممکن است کار پیدا کند زندگی ساده و ناچیز خود را مرتب نماید از اینجا رانده و از آنجا مانده برای ادامه زندگانی مادی جنایات تازه را مرتکب میشود وضعیت زنان محکوم بمجازات مستعمراتی Rélegation از مردان سخت تر میباشد این دختران دور از شهر و کار برای امرار معاش تن بهر گونه پستی در داده و بالتبقیجه روز بروز بر عده آنها افزوده میشود.

و اما علت اینکه عده محلهای ممنوعه روز بروز افزونتر میگشت بیشتر از هر چیز اصرار و اعمال نفوذ سیاسی نمایندگان مجلس فرانسه بود چه آنکه هر نماینده جدید برای اینکه خود را ذیصلاحه بحوزه انتخابیه خویش معرفی کرده و توجه توده منتخبین را بخود جلب نماید قلمرو حوزه خود را جزو محلهای ممنوعه صورت داده

ولی اگر در این موارد تعیین محل از وظائف خود دادگاه میباید برعکس در مورد ماده ۲۵ همان قانون تعیین آن روی اصول دیگری مقرر شده است . ماده ۲۵ نامبرده که مربوط باقامت اجباریست چنین مقرر میدارد :

«۰۰۰ در مورد این اشخاص محکمه باید حکم دهد که محکوم بعد از انقضاء مدت محکومیت در یکی از نقاطی که از طرف دولت معین میشود توقف اجباری نماید .»

این ماده از موادیست که تعیین حدود و بالاخره اعمال آن در خارج خالی از اشکال نبوده است . اولی مراد قانون گذار از کلمه «دولت» وزارتین دادگستری و کشور بوده است ثانیاً عبارت «معین میشود» ظاهر در این است که در هر مورد بخصوص وزارت کشور باید تعیین محل نماید و نیز میتوان گفت که مراد قانون گذار فقط تعیین اقتدار قانونی بوده و وزارت کشور باید قبلاً صورتی از محلهای مربوطه تهیه و حاضر نماید در هر حال مورد از مواردیست که باید مراجعه بعمل شود و متأسفانه در تقسیم موارد زیادی بنظر نرسیده و بطوریکه از بعضی از صاحب منصبان عالی رتبه وزارت دادگستری استفسار شد این ماده سابقه عملی معین و مستحکمی که بتوان روی آن اساس رویه قضائی معلومی نهاده شود ندارد

این رویه نیز اگر چه مورد پسند عدّه واقع گردیده کاملاً خالی از ایراد نبوده و محسناتی که در باره آن ذکر شده ظاهری میباید چه آنکه با ثبات نرسیده که دادگاه کاملاً و چنانچه باید و شاید پی بگذشته و سوابق واقعی متهم برده و تعیین محل را متناسب با آن نماید .

از طرف دیگر اگر عدّه محلهای ممنوعه را بعد

افراط کم کرده و آنها را فقط بنظر دادگاه محول کنیم بیم آن میرود که منافع اجتماعی فدای منافع شخص متهم گردیده و یک نفر دادرس گوشه نشین نتواند از پشت میز قضاوت هر قدر هم که بلند پایه باشد جامعه را از بالا و نزدیک دیده و در تعیین محلهای ممنوعه میزانی را که دست وزیر کشور آشنانتر بدان میباید داشته باشد و بالاخره محسنات سیاسی که مذکور افتاده خیالی بیش نمی باشد این بود که این رویه نیز بنوبه خود مورد بررسی و تجدید نظر واقع شده و اخیراً در فرانسه طریقه مختلط را پیشنهاد و تصویب نمودند .

۳ - تعیین محل توسط کمیسیون مختلط

دراثر تشقیداتی که از رویه دوم بعمل آمد دولت فرانسه توسط تصویب نامه قانون هیئت وزیران مورخه ماه اکتبر ۱۹۳۵ مسیحی رویه سابق را اصلاح و چنین مقرر داشت که من بعد تعیین محلهای ممنوعه توسط کمیسیون مختلطی بعمل خواهد آمد - این کمیسیون در وزارت کشور تشکیل و مرکب خواهد بود از نمایندگان وزارت دادگستری و کشور و انجمن های حامی محبوسین فرانسه .

صورت محلهای مثل سابق دارای دو قسمت می باشد قسمت اول که صورت محلهای ممنوع عمومی به تمام ممنوعین از اقامت را معین میکند کوتاه تر از صورت عمومی سابق بوده و اغلب شهرهای ممنوع دوباره مجاز شده اند قسمت دوم این صورت محتوی محلهای ممنوع مخصوص بشخص هر محکوم می باشد .

در هر صورت با این اصلاح هم عیب طولانی بودن صورت و هم عیب یکطرفه بودن تعیین محل اعم از اینکه توسط قوه اجرائیه یا قضائیه بعمل آمده باشد مرتفع شده و دخالت دادستان شهرستان که نماینده وزارت دادگستری می باشد تا اندازه آزادی مطلق وزارت کشور را تحدید مینماید .

بحث دوم

مدت قانونی اقامت ممنوع و ضمانت اجرائی آن

- ۱ -

طبق ماده ۱۶ قانون مجازات عمومی ایران :
«مدت اقامت اجباری و یا ممنوعیت از اقامت کمتر از یکماه و بیشتر از سه سال نخواهد بود.»

متذکره در این ماده بطور کلی قید شده برطبق ماده ۱۹ همان قانون دارای استثنائات چندمی می باشد و این استثنائات اصولاً مربوط با اهمیت بزه و مخصوصاً به تکرار بزه می باشد مثلاً در مورد ماده ۲۵ اصلاحی ۳۱۰ قانون گذار مدت بیشتری را پیش بینی کرده و مقرر میدارد : « تعیین مدت توقف اجباری بنظر وزیر عدلیه بوده ولی نباید از ده سال تجاوز نماید » این ماده فقط حداعلی را معین کرده و از تعیین حد اقل خود داری نموده و آنرا محول بنظر وزیر دادگستری کرده است و اینجا سؤال میشود آیا وزیر دادگستری میتواند حد اقل مدت را بدوخواه خود از یکماه نیز کمتر معین نماید ؟ جواب از این سؤال منفی بنظر میرسد چه آنکه از مقایسه مواد ۱۶ و ۲۲۸ سابق الذکر و بادر نظر گرفتن مورد ماده ۲۵ که مربوط بتکرار بزه است چنین بنظر میرسد که حد اقل منظور در ماده ۲۵ را نباید در هر صورت کمتر از یکسال تعیین نمود .

در هر حال قسمت سوم ماده ۱۶۸ که راجع با اجتماع و مواضعه است مدت اقامت اجباری را از یکسال تا سه سال معین کرده و همینطور ماده ۲۲۸ راجع بتکرار سرقت مقرر میدارد که : «ممکن است سارق را در مدت يك الی سه سال از اقامت در مکان مخصوصی منع نمود» از مجموع این مواد چنین استفاده میشود که بطور کلی برای اقامت ممنوع حد اقل یکماه و حداکثر سه سال میباشد و برای اقامت اجباری حد اقل یکماه و حداکثر تاده سال نیز ممکن است برسد .

حال اگر قانون جزاء فرانسه را مورد بررسی قرار بدهیم خواهیم دید که مدتهای معینه از برای این مجازات خجایی بیشتر از قانون ایران میباشد .

اقامت ممنوع در قانون جزاء فرانسه استثنائاً صورت دائمی بخود میکیرد مثل مورد مواد ۲۶۵ و ۴۳۵ آن قانون که مربوط است با اجتماع بزهکاران و یا جنایاتی که با استعمال مواد منفجره و غیره ارتکاب میشود . در مورد این اشرار خطرناک قانون گذار وقت طرف احتیاط را بیش از سایر موارد ملاحظه کرده است ولی بغیر از این موارد استثنائی در سایر جاها این مجازات صورت موقت بخود میکیرد بدین ترتیب که اگر اقامت ممنوع تبعی مجازاتهای جنائی است حد اعلی آن ۲۰ سال خواهد بود ولی اگر تبعی مجازاتهای جنحه باشد حد اعلی آن ده سال خواهد بود . و بطور کلی حد اقل این مجازات از دو سال کمتر نمی باشد .

تعیین تاریخ شروع باجرا اقامت ممنوع بسیار ساده است اگر اقامت ممنوع استثنائاً بعنوان مجازات اصلی اعمال میشود از همان روز قطعی شدن حکم محکومیت اجرا میشود ولی اگر بعنوان مجازات تبعی یا تکمیلی باید اعمال شود درین صورت اجراء آن از تاریخی شروع می شود که مجازات اصلی تمام شده باشد ، مطلبی که اینجا مقام دارد و مشترک بین قانون ایران و فرانسه میباشد این است که اگر در خلال مدت اقامت ممنوع محکوم علیه مرتکب بزه تازه شده و بجهت آن محکوم بزندان گردد محاسبه مدت اقامت ممنوع بجهت نحو خواهد بود ؛ چیزی که محقق این است که باید اول مجازات زندان اجرا شود و اقامت ممنوع معلق باتمام آن خواهد بود ولی چیزی که مورد بحث است این است که آیا مدت زندان تازه جزو مدت اقامت ممنوع قبلی محسوب میشود و یا باید از مدت آن منها گردد . بعقیده نویسندگان مشهور فرانسه مثل پرفسور دون دیو دو وابر چون یک شخص نمیتواند در آن واحد مورد دو مجازات یکی سالب آزادی و دیگری تحدید کننده آن واقع شود باید مدت زندان جزو مدت اقامت ممنوع حساب نشود ولی رویه دادگاه های فرانسه

علیه با مقررات مربوطه باقامت ممنوع دادگاه جنحه مشارالیه را به مجازات زندان که نباید از ۵ سال تجاوز کند محکوم خواهد نمود.»

مطابق رویه قضائی دادگاه های فرانسه این بزه کاملاً بزه مادی میباشد بدین معنی که عنصر اخلاقی سوء قصد در آن منظور نمیشود مطلق حضور محکوم علیه در محل ممنوع کافی از برای مجازات خواهد بود. ولی طبق تحقیقات و مطالعاتی که شخصاً در دادرسی پاریس Petit Parquet بعمل آورده و مستنداً بنوشته بعضی از مؤلفین معلوم میشود که در فرانسه نیز پلیس نمیتواند و یا نميخواهد کاملاً جلو همه ممنوعین از اقامت را بگیرد بدین معنی که از دیر زمانی عده از آنها در شهرهای ممنوع سکونت اختیار کرده و مشغول کار شده و زندگی آرام و بی سروصدائی در پیش گرفته اند و چون این اشخاص در عمل ثابت کرده اند که زیاد خطرناک نبوده و قادر بادامه زندگی با شرافتی میباشند این است که اداره شهربانی عمداً از آنها چشم پوشیده و این وضعیت غیر قانونی که در عمل نتایج بدی نداده است ادامه پیدا میکند ولی معلوم است که این وضعیت نمیتواند عمومیت پیدا بکند و بمحض اینکه چنین اشخاص جزئی ترین خلافی را مرتکب بشوند توجه پلیس را بخود جلب نموده و بار دیگر در چنگال قانون عاجز و بی چنگال میشوند. دکتر یاد (دکترزاده سابق)

غیر این بوده و بمنظور ارفاق در باره محکومین مدت زندان جدید را جزو اقامت ممنوع سابق محسوب میدارند ولی این رویه چندان قابل قبول نبوده و راه را برای قلمفرسائیهای قضائی باز میگذارد.

- ۲ -

راجع بضمانت اجرائی مقررات مربوطه باقامت ممنوع چیزی در قانون ایران پیش بینی نشده است. رویه دادگاهها در دست نبوده و معلوم نیست که سابقه عمل اداره شهربانی در بنقسمت چیست در هر حال چیزی که مسلم است این است که اگر محکوم پردلی بر خلاف رای دادگاه عمل کرده و بعداً در محل ممنوعی دستگیر شود نمیتوان او را بعنوان جرم بالاستقلال مخالفت با حکم ممانعت از اقامت مجازات نمود و تنها چیزی که در باره او میتوان منظور داشت این است که او را اینمرتبه با مستحفظ در محلی که مجبور باقامت در آنست و یا ممنوع از اقامت نیست برده و از او خواهش نمود که بار دیگر در محل های ممنوعه دیده نشود و اگر محکوم علیه این مسافرت رفت و آمد خود را ادامه بدهد امید این میرود که بالاخره پلیس را خسته کرده و خواهی نخواهی با آزادی در شهرهای غیر مجاز اقامت نماید

برعکس قانون ایران در قانون جزاء فرانسه مجازات مخصوصی از برای این مورد وضع شده و ماده ۴۵ قانون جزاء فرانسه مقرر میدارد: «در صورت مخالفت محکوم

ج. رضوی
کارورز تیمارستان شهرداری

بخش روان شناسی
دکتر ع میر سپاسی کارشناس
رسمی وزارت دادگستری
یوهک و معاون تیمارستان شهرداری

فکر درونی و تبه کاری

میهم بوده و گاه تمام وجود آگاه ما را احاطه نموده با وجه های اسرار انگیز خود بصورت نیروی مخصوص و بزرگی متظاهر میشود چنانچه گاهی بصورت

بررسی روان شناسی در درون «من» انسانی ما را از وجود فکری درونی ژرف، در هم، متحرک و بسیار متغیر آگاه مینماید. افکار درونی کما بیش تاریک و